

# پژوهش‌ها معمار اسلام ۱۶

شماره شصت و نهم - ۹۸۰ X - ۲۳۸۲

فصلنامه علمی - پژوهشی  
قطب علمی معماری اسلامی  
سال پنجم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۶

□ ارائه مدل کاربردی از فرآیند طراحی معماری مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی  
کریم مردمی / محسن دهقانی تفتی

□ تبیین دگردیسی قلمرو در نظام سکونت بافت پیرامون حرم امام رضا(ع)  
نمونه موردی: محله نوغان مشهد  
فرزانه احمدی / علی افشار / آزاده آقالطیفی

□ برنامه‌ریزی خدمات شهری برای زائرین در پیرامون حرم‌های مطهر؛ نمونه مطالعاتی:  
هسته مرکزی شهر قم  
مهران علی‌الحسابی / محمد انام‌پور / هاله حسین‌پور

□ تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنی ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان  
مریم قاسمی سیجانی / فاطمه قنبری شیخ‌شبان‌ی / محبوبه قنبری شیخ‌شبان‌ی

□ الگوی نورپردازی طبیعی در گنبدخانه‌های مساجد تاریخی اصفهان  
مرضیه هومانی راد / منصوره طاهباز / حسنعلی پورمند

□ گزارشی علمی - تحلیلی از ماجرای شگفت انگیز  
عبدالحمید نقره‌کار



# شماره شایا: X 980 - 2382

## پژوهش‌ها معمار اسلامی ۱۶

فصلنامه علمی - پژوهشی  
قطب علمی معماری اسلامی  
سال پنجم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۶

### لیست داوران این شماره:

- دکتر سمانه تقدیر (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر مهران علی الحسینی (دانشیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر حسن سجاد زاده (استادیار دانشگاه بوعلی همدان)
- دکتر منصوره طاهباز (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر عباس غفاری (استادیار دانشگاه هنر تبریز)
- دکتر ابوالفضل مشکینی (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)
- دکتر هانیه صنایعیان (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر محمدباقر کبیر صابر (استادیار دانشگاه تهران)
- دکتر محمد صالح شکوهی بیدهندی (استادیار دانشگاه علم و صنعت)
- دکتر مسعود ناری قمی (استادیار دانشگاه کاشان)

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۰۶ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

**مدیر مسئول:** معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

**سر دبیر:** دکتر محسن فیضی

**مدیر داخلی:** دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

**ویراستار ادبی فارسی:** سارا متولی

**کارشناس مجله:** امیرحسین یوسفی - زهرا کاشانی دوست

**ویراستار انگلیسی:** محمد رضا عطایی همدانی

### هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طبیبیان : استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی : استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

**طراح جلد و صفحه آرا:** امیرحسین یوسفی

**قیمت:** ۱۵۰۰۰۰ ریال

الات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

**نشانی دفتر مجله:** دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۰۲۱-۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی رایانامه: [jria@iust.ac.ir](mailto:jria@iust.ac.ir) / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>

## تبیین دگردیسی قلمرو در نظام سکونت بافت پیرامون حرم امام رضا(ع) نمونه موردی: محله نوغان مشهد



فرزانه احمدی\*

استاد مدعو موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری مشهد

آزاده آقالطیفی\*\*

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

علی افشار\*\*\*

استادیار موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری مشهد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۷/۱۰

### چکیده:

یکی از راهکارهای ارتقای کیفیت محیط زندگی انسان، روشن بودن سلسله مراتب فضایی آن است. بدین منظور باید عرصه‌های فضایی آن به روشنی از یکدیگر تفکیک شده باشد و مرز این عرصه‌ها قابل تشخیص باشد. این کار، سبب افزایش حس تعلق به محیط شده و به محیط‌های مسکونی هویت می‌بخشد. این مقاله با هدف بررسی مفهوم قلمرو، به منزله‌ی یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت ارتباط انسان با محیط مسکونی در محله‌ی نوغان مشهد، پرداخته است. نوغان - که هسته‌ی اولیه شکل‌گیری مشهد را تشکیل می‌دهد - امروزه یکی از کهن‌ترین محله‌های آن است. این محله در بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) قرار گرفته و مشمول طرح بهسازی و نوسازی شده است؛ که در پی اجرای چندین ساله‌ی آن، بخش عظیمی از هویت این منطقه از میان رفت. در این محله به سبب اسکان زائران در خانه‌های ساکنان، نوع خاصی از زندگی شکل گرفته؛ و عرصه‌بندی‌ها و سلسله‌مراتب فضایی در آن تغییر یافته است. ماهیت این پژوهش کیفی است و سازوکارهای گردآوری اطلاعات آن، مبتنی بر استفاده از پرسشنامه‌ی باز و مشاهده است. نتایج این پژوهش نشانگر آن است که الزامات مکانی و زمانی همنشینی زائران و مجاوران سبب بروز معانی نوینی از عنصر قلمرو شده تا آنجا که قلمرو اولیه محدود شده و قلمرو ثانویه ماهیتی دوگانه و سیال به خود گرفته است که با توجه به ویژگی مخاطب آن (فرهنگ مرجع، مدت اقامت، نوع اقامت و...) به سمت عرصه‌ی عمومی یا خصوصی در حرکت است و این ماهیت سیال، کمتر با ابعاد کالبدی تفکیک شده و بیشتر مربوط به ابعاد ادراکی - روانی است. حرم مطهر امام رضا(ع) مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر قلمرو است و نظام ادراکی موجود را بر هم می‌زند. به سبب اثربخشی این عامل بر ادراک ساکنان، مدت سکونت و رضایت‌مندی آنها افزایش یافته است. به بیانی دیگر وجود عنصری معنوی در محدوده از یک سو، همنشینی خاص بین زائران و ساکنان از سوی دیگر، سبب شده است تا ماهیت قلمرو در این منطقه دچار نوعی دگردیسی شود. این موضوع با اجرای طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم رضوی، دچار تغییری مضاعف شده است. از این رو، بازآفرینی این محله که هویت آن به اختلاط ساکنان و زائران گره خورده؛ باید با توجه به سبک زندگی ساکنان آن و نظام قلمرویی موجود انجام پذیرد؛ در این صورت ساکنان بافت حفظ می‌گردد و هویت محلی ارتقا می‌یابد.

واژه های کلیدی: قلمرو، دگردیسی، سکونت، محله نوغان، مشهد.

کهن شهرنشینی و نماد تحول نیازهای انسانی در بستر تاریخ هستند؛ این پژوهش بر آنست تا با بررسی مفهوم قلمرو برای ساکنان بافت و زائران ساکن در محله‌ی نوغان (به عنوان جزئی تفکیک‌ناپذیر در بازآفرینی بافت)، به تبیین تغییرات قلمرو در نظام سکونتی محله نوغان مشهد بپردازد و با توجه به آن پیشنهادهایی مبتنی بر نظام قلمرویی ارائه نماید تا بازآفرینی این محله در تطابق با حیات این محله به انجام رسد.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

قلمرو از اساسی‌ترین نیازهای طبیعی انسان است. فرهنگ دهخدا آن را اسم مرکبی با معنی ملک، مملکت و ولایت متصرفه معرفی می‌کند (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه‌ی قلمرو). همچنین قلمرو معادل واژه انگلیسی Territory است. فرهنگ و بستر، این واژه را از ریشه Terra به معنی زمین معرفی می‌کند و آن را علاوه بر محدوده‌ی تحت تملک، معادل زمین یا آب تحت اختیار یک ملت، کشور یا قانون و نیز محدوده‌ی مشخص شده برای فضای خاص فعالیت یا جریان فکری می‌داند (لغتنامه و بستر<sup>۱</sup> ۱۸۴۱-۱۹۷۷). بنابراین مفهوم قلمرو، از منظر زبان در حیطه‌ی اختیارات، متصرفات و تملکات قرار می‌گیرد. آدمی از ابتدای سکونت بر روی زمین، از مفهوم قلمرو به شکل‌های گوناگون استفاده کرده است؛ برای سرپناه‌های خود حد و مرز تعیین کرده است، آن‌ها را نشانه‌گذاری کرده و به نوعی به محیط اطراف خود شکل داده است.<sup>۲</sup> ایفای نقش فضا و مکان، تنها به حیات بشری محدود نمی‌شود؛ بلکه حیات انبوهی از گونه‌های قلمروگرا مانند حیوانات را در برمی‌گیرد (لاوسون ۱۳۹۱، ۱۷۴). بررسی و مطالعه‌ی رفتار قلمروگرایی حیوانات تاریخچه‌ای طولانی دارد و دلمشغولی پژوهشگرانی چون هاوارد<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۲۰، کارپنتر<sup>۴</sup> در دهه ۱۹۵۰، و نایس<sup>۵</sup> از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ بوده است. درک مفهوم قلمرو در زندگی حیوانات ساده‌تر است (عینی‌فر و آقالطیفی ۱۳۹۰، ۱۸). مفهوم قلمرو کاملاً فضایی نیست؛ بلکه تا حدود زیادی پدیده‌ای اجتماعی است. امروزه قلمرو را به عنوان ناحیه‌ای می‌شناسند که به طور اختصاصی به تصرف یک یا گروهی از گونه‌های خاص درآمده باشد و رفتاری که در یک محدوده از سوی گروهی برای حفاظت، نظارت و کنترل آن، قابل رؤیت است را قلمروپایی می‌نامند.<sup>۶</sup> لازم به ذکر است بررسی اولیه‌ی مفهوم قلمرو برای انسان‌ها ریشه در تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری دارد

## ۱. مقدمه

انسان نیازمند آرامش، امنیت و محترم شمرده شدن قلمرو خویش از جانب دیگران است. ساماندهی محیط زندگی وی، جز از طریق اخذ شیوه‌های صحیح در مشخص ساختن عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی او و ایجاد سلسله‌مراتبی دقیق در کلیه‌ی زمینه‌های فضایی، دسترسی و... میسر نیست. ایجاد چنین ساختاری، احساس تعلق به محیط را به فرد القا نموده و به سکونتگاه وی هویت می‌بخشد (بحرینی و تاج بخش ۱۳۷۷). از یک سو پرداختن به هویت بدون توجه به مفهوم قلمرو و نحوه‌ی عرصه‌بندی زیستی، ناممکن است. در این مقاله تلاش شده است تا با تأمل در مفهوم قلمرو و ابعاد مختلف آن، عوامل مؤثر شناسایی شده و در بستری خاص مورد سنجش قرار گیرد. لذا نوآوری آن در نمایاندن تأثیر مؤلفه‌های مختلف در شکل‌دهی به قلمرو است. چراکه همواره معماران در ناخودآگاه خود بر این باورند که ابعاد کالبدی مؤثرترین عامل در شکل‌دهی به قلمرو است. حال آنکه در نظریات گردآوری شده، تأمل فراوانی بر دیگر مؤلفه‌هاست.

از سوی دیگر، شهر مقدس مشهد با ویژگی‌های خاص خود (وجود بارگاه متبرک امام رضا<sup>ع</sup>) و ابعاد معنوی آن (بستر مناسبی برای این کاوش بوده است. این شهر در قرون اولیه اسلامی از تلفیق شهر باستانی نوغان و روستای همجوارش (سناباد) به وجود آمد. پس از شهادت امام رضا<sup>ع</sup>)، با پیوستن مشهدالرضا و نوغان به هم، تنها نام مشهد شهرت یافت در حالی که کالبد و نام نوغان در جوار مشهد تا امروز و به مدت هزار و دویست سال همچنان به حیات خود ادامه داده است. تا آنجا که می‌توان گفت امروزه نوغان یکی از کهن‌ترین محلات مشهد است. با وجود اهمیت نوغان از منظر مطالعات تاریخی، اعتقادی، معماری و شهرسازی به مثابه سندی بینامتنی، پاره‌های بزرگی از آن در پی اجرای چندین ساله‌ی طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا<sup>ع</sup>)، از بین رفت. با عنایت به پیشرفت فیزیکی این طرح در سایر قطعات، کمترین میزان دخل و تصرف و پیشرفت، در محله‌ی نوغان اتفاق افتاده است. این مهم خود نویدبخش ضرورت پاسداری از هویت منطقه است. از این رو، با توجه به ضرورت حفظ و احیای هویت معماری شهرهای خاص اسلامی مانند مشهد مقدس و با توجه به اینکه محلات مسکونی از میراث



حق نظارت بر استفاده‌ی دیگران از آن را دارند (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۴۰). قلمرو تعاملی نیز در سطح بعد از قلمرو خانه قرار می‌گیرد. حسین الشرکاوی<sup>۱۲</sup> برای ساختن مدلی که به طور مستقیم به طراحی محیط ربط داشته باشد؛ چهارگونه قلمرو مکانی تحت عنوان، قلمرو پیوسته (حبابی فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی)، حامی (فضاهای عمومی و نیمه عمومی)، پیرامونی (فضاهای عمومی) تعریف کرده است (لنگ ۱۳۸۴، ۱۷۰). آلتمن<sup>۱۳</sup> نیز سه نوع قلمرو تحت عنوان اولیه، ثانویه و عمومی معرفی می‌کند؛ که با توجه به جامعیت آن، ملاک بررسی در این پژوهش قرار گرفته و در ادامه به شرح آن پرداخته شده است.

قلمرو اولیه تحت مالکیت و استفاده‌ی انحصاری فرد یا گروه خاصی است؛ دیگران نیز آن‌ها را مالک این قلمروها می‌شناسند؛ به شکل دائمی تحت اختیار افراد هستند؛ و این قلمروها در زندگی روزمره‌ی آن‌ها نقشی اساسی دارد. براور<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۵) این نوع قلمرو را قلمرو شخصی می‌داند و نمونه آن را خانه می‌داند. در این نوع قلمرو هویت مالک آن آشکار است؛ تجاوز یا ورود غیرمجاز دیگران مسئله‌ای جدی شمرده می‌شود؛ و نظارت بر ورود دیگران ارزش بسیاری دارد (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۳۸). به عبارت دیگر از آنجا که این قلمرو به فرد یا یک گروه خاص تعلق دارد بیشتر مربوط به زندگی روزمره بوده و نیاز به کنترل مداوم دارند. مانند خانه‌ها، اتاق‌های خواب و فضاهایی که برای ساکنان یا کاربران از اهمیت بالایی برخوردارند (جیفورد<sup>۱۵</sup> ۱۹۸۷). قلمرو ثانویه کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و معادل گروه‌های ثانویه در جامعه‌شناسی است (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۴۰). استفاده‌کنندگان قلمروهای ثانویه همیشه ثابت نیستند و می‌توانند در گذر زمان تغییر کنند. این قلمروها نسبت به قلمروهای اولیه از اهمیت کمتری برخوردارند؛ انعطاف‌پذیر هستند و قابلیت به اشتراک گذاشتن و تغییر را دارند (پاکزاد ۱۳۹۱، ۲۵۲). به عبارتی قلمرو ثانویه پلی میان قلمرو اولیه (که فرد در آن‌ها نظارت کامل و گسترده دارد) و قلمرو عمومی (که تقریباً همگان می‌توانند از آن استفاده کنند) است. به دلیل اینکه این قلمروها نه عمومی هستند و نه خصوصی به شمار می‌آیند؛ در مسئله‌ی نظارت و مالکیتشان ابهام وجود دارد؛ که احتمال عدم تشخیص درست و تضاد و تقابل در چنین قلمرویی بیشتر است. به علاوه، در این نوع

که در دهه ۱۹۲۰ میلادی آغاز شد. بدین ترتیب مصاحبه‌گرانی که درباره‌ی کارکرد گروه‌های اجتماعی در مکان‌هایی عمومی بررسی می‌کردند؛ به صورت مداوم با قلمروهایی برخورد می‌کردند که از یکدیگر مجزا شده بودند؛ به گونه‌ای که گروه‌هایی خاص اجازه‌ی ورود به قلمرو گروه دیگر را نداشته باشند (آلتمن ۱۳۸۲). در تمام چنین رفتارهایی دو جز مهم و مشترک وجود دارد. نخست آنکه، قلمرو علاوه از بعد آسودگی جسمی، از لحاظ رفاه اجتماعی برای بقای یک گونه‌ی خاص نیز، بسیار حیاتی است؛ و دوم، قلمرو از راه تأمین، سازماندهی و ساختار بندی فضا به وجود می‌آید (لاوسون ۱۳۹۱، ۱۶۹). بنابراین می‌توان گفت که قلمرو یکی دیگر از سازوکارهای نظارت بر مرز میان خود و دیگران و ابزاری برای رسیدن به خلوت دلخواه است (پاکزاد و بزرگ ۱۳۹۱).

## ۲-۱. نظام قلمروهای انسانی

با توجه به پیچیدگی مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت، پژوهشگران تلاش‌های بسیاری برای دسته‌بندی آن انجام داده‌اند. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه‌بندی در محیط‌های مسکونی است که همانند دیگر پدیده‌ها از سلسله‌مراتب خاصی پیروی می‌کند (عینی فر و آقالطیفی ۱۳۹۱). الکساندر<sup>۱۶</sup> و چرمایف<sup>۱۷</sup> در یک تقسیم‌بندی، سلسله‌مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده‌اند. چنین تقسیم‌بندی‌رامی‌توان‌به‌صورتی کلی‌تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی معرفی نمود (بحرینی و تاج‌بخش ۱۳۷۷، ۲۱). داگلاس پورتیوس<sup>۱۸</sup> سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است و این مقیاس‌ها به ترتیب بزرگ می‌شوند. مقیاس اول فضای شخصی است. به عقیده‌ی وی در اطراف هر فرد محدوده‌هایی غیرقابل‌رویت وجود دارد که هیچ مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که همواره از آن دفاع می‌شود و شامل فضاهای کار، مسکن و محله است. و مقیاس آخر، فضای در دسترس خانه است که مکان رفتاری زندگی فرد است (لنگ ۱۳۸۴، ۱۷۰). لایمن<sup>۱۹</sup> و اسکات<sup>۲۰</sup> نیز دو نوع قلمرو، یعنی قلمرو «خانه» و «تعاملی» را معرفی کرده‌اند که در این دسته‌بندی استفاده‌کنندگان معمول قلمرو خانه می‌توانند در هر زمان به آن دسترسی داشته باشند و



امکان شخصی‌سازی نیز از ویژگی‌های قلمرو است (همان، ۱۴۸). علت نشانه‌گذاری و تغییر در فضایی که آن را متعلق به خود می‌دانیم یا با آن ارتباط نزدیک داریم نیز همین است (پاکزاد و بزرگ ۱۳۹۱). در واقع شخصی‌سازی همان موضوعی است که بنتلی<sup>۱۷</sup> و همکارانش در کتاب «محیط‌های پاس‌خده» تحت عنوان رنگ تعلق مطرح کرده‌اند (بنتلی و همکاران ۱۳۸۵، ۵). این شخصی‌سازی بر اساس سلسله‌مراتب قلمرو و تحت تأثیر نحوه‌ی تصرف است (همان، ۲۹۶). در این میان، شخصی‌سازی قلمروها وقتی مهم‌تر می‌شود که قلمرو قسمت ماندگاری از زندگی ما باشد (مک اندرو ۱۳۸۷، ۱۹۱). علاوه بر ویژگی‌های بیان شده، در یک دسته‌بندی کلی جان لنگ<sup>۱۸</sup> ویژگی‌های قلمرو مکانی را احساس مالکیت و حق نسبت به مکان، شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری مکان، حق دفاع در مقابل مزاحمت و در نهایت تأمین امکاناتی برای پاسخگویی به نیازهای جسمانی تانیا‌های شناختی و زیباشناختی معرفی می‌کند (لنگ ۱۳۹۱، ۱۷۰-۱۶۹).

### ۲-۳. عوامل تأثیرگذار بر قلمرو

آلتمن عوامل تأثیرگذار بر قلمرو را انگیزه‌ها یا نیازهای مختلف، ویژگی‌های جغرافیایی، واحدهای اجتماعی، زمان استفاده از قلمرو، رفتارها یا واکنش‌هایی که برای علامت‌گذاری و دفاع از قلمرو می‌داند (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۳۸). همچنین بحرینی و تاج‌بخش (۱۳۷۷) طی پژوهشی ابعاد تأثیرگذار بر قلمرو را ابعاد کالبدی، عملکردی، ادراکی-روانی، فرهنگی و اجتماعی ذکر کرده و برای هر یک از این ابعاد شاخصه‌هایی ارائه نموده است. عینی‌فر و آقالطیفی (۱۳۹۰) نیز عوامل اجتماعی، ادراکی-روانی، کالبدی و کارکردی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر قلمرو می‌دانند که خود تحت تأثیر عامل زمینه‌ای جغرافیایی-فرهنگی و نیز زمان هستند. در ادامه به شرح این عوامل در قالب جدول ۱ پرداخته شده است.

جدول ۱. عوامل تأثیرگذار بر قلمرو (مأخذ: نگارندگان)

عوامل	پژوهشگر	دیدگاه
عوامل اجتماعی	ادنی (۱۹۷۵)	قلمرو نقشی تثبیت‌کننده و نظارتی در تمامی سطوح از قبیل سطوح فردی، گروهی و اجتماعی دارد. همچنین سبب تسهیل تعامل اجتماعی می‌شود و نشانه‌ها و علائمی را در اختیار دیگران قرار می‌دهد که سبب قابل تشخیص شدن سلسله‌مراتب می‌گردد (آلتمن ۱۳۸۲).

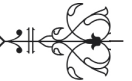
قلمروها بیشتر از رفتارهای نظارت بر خلوت استفاده می‌گردد؛ زیرا افراد باید برای ارتباط مناسب با دیگران به طور مداوم مرزهای پیرامون خود را تنظیم کنند (آلتمن ۱۳۸۲، ۱۴۲). همچنین این مفهوم، فضای نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی الکساندر، فضای حامی‌الشرکاوی را نیز در خود جای داده است.

قلمرو عمومی قلمرویی کاملاً موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی و حق استفاده از آن را دارد. این نوع قلمرو را قلمرو آزاد، قلمرو اختیاری و قلمرو موقتی نیز نامیده‌اند. لایمن و اسکات (۱۹۶۷) نیز اینگونه قلمرو عمومی را توضیح داده‌اند که محدوده‌هایی که فرد در آن می‌تواند رفت‌وآمد کند، اما الزاماً حق انجام کاری ندارد. استفاده از این قلمروها نیز زمان محدودی دارد (همان ۱۴۵). بدین ترتیب مالکیت، میزان نظارت و زمان نسبی استفاده، سبب تفاوت بین این سه نوع قلمرو می‌گردد. نکته‌ی حائز اهمیت نوع طراحی قلمروهاست به گونه‌ای که افراد بتوانند تمایز آن‌ها را تشخیص دهند (نیومن<sup>۱۶</sup> ۱۹۹۶). این پژوهش با توجه به جامعیت دسته‌بندی آلتمن، نظام پیش گفته را ملاک بررسی قرار داده است.

### ۲-۲. ویژگی‌های قلمرو

مهمترین ویژگی قلمرو، وابستگی بسیار زیاد آن به فرهنگ است. این ویژگی سبب ایجاد رفتارهای قلمروگرایانه متفاوت در فرهنگ‌های مختلف می‌شود (پاکزاد و بزرگ ۱۳۹۱، ۲۵۰). زیرا فرهنگ‌های مختلف با گستره‌ای از انواع نیازهای خلوت‌گزینی و قلمروخواهی روبه‌رو هستند. بنابراین هنجارهای خاص قلمروگرایی زندگی انسان‌ها در جوامع مختلف شبیه به یکدیگر نیست (جی‌فورد ۱۹۸۷، ۱۴۷-۱۵۰). احساس هویت، یکی دیگر از ثمراتی است که از تعلق به قلمرو ناشی می‌شود؛ در واقع علت آن اشراف بر محدوده‌ای جغرافیایی و امکان ایجاد نظارت بر آن است که سبب ایجاد تعریفی عینی از فرد یا گروه می‌شود. همچنین





<p>هر قلمرو می تواند شامل واحدهای اجتماعی نظیر گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی بزرگ باشد؛ زمانی می تواند در حکم مکانی برای روابط اجتماعی ظاهر گردد و یا نشانه‌ای از هویت افراد را فراهم کند (عینی فر و آقالطیفی ۱۳۹۰). همچنین به نظر وی تهدیدهای مشترک هم - که سبب اتحاد گروه‌ها می شود؛ مانند خواسته‌های مشترک (وجود فضای مشترک به عنوان حریم عمومی) - یکی از راه‌های تقویت روابط اجتماعی است (لاوسون ۱۳۹۱).</p>	<p>لاوسون<sup>۱۹</sup> (۲۰۰۱)</p>	<p>عوامل اجتماعی</p>
<p>رفتار قلمرو گرایانه از راه نظارت بر تعامل اجتماعی، رابطه‌ی ما با دیگران را تسهیل می‌سازد و سبب جلوگیری از تضاد و ارتباط ناخواسته اجتماعی می‌شود (پاکزاد و بزرگ ۱۳۹۱).</p>	<p>مک اندرو<sup>۲۰</sup> (۱۳۸۷)</p>	
<p>عوامل اجتماعی عبارتند از: برقراری روابط اجتماعی، هویت جمعی، نظارت اجتماعی و مشارکت جمعی (چه در دفاع از حریم قلمرو و چه در فعالیت‌های اجتماعی)</p>	<p>عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)</p>	
<p>عواملی از قبیل نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل را تأثیرگذار بر کالبد و جزو شاخصه‌های کالبدی می‌دانند.</p>	<p>بحرینی و تاج‌بخش (۱۳۷۷)</p>	<p>عوامل کالبدی</p>
<p>از مهم‌ترین عوامل مورد نظر طراحان معمار و شهرساز هستند و در دسته‌بندی جامع‌تری فاکتورهای نظم فیزیکی و بصری، تعادل در محیط‌های باز و بسته، شاکله‌ی کلی محدوده، ساختار مرزبندی کالبدی را به عنوان شاخصه‌های کالبدی معرفی می‌کنند.</p>	<p>عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)</p>	
<p>یکی از اساسی‌ترین گام‌ها برای تعیین قلمروها، توجه به نظم سلسله‌مراتبی عرصه‌بندی‌هاست. در تعریف چنین سلسله‌مراتبی، معانی بسیار مهم تلقی می‌شوند. در یک دسته‌بندی جامع می‌توان فضاها را به صورت فضاهای خصوصی، فضاهای نیمه‌خصوصی، فضاهای نیمه‌عمومی و فضاهای عمومی تقسیم‌بندی کرد.</p>	<p>بحرینی و تاج‌بخش (۱۳۷۷)</p>	<p>عوامل کارکردی</p>
<p>با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته شاخصه‌های تأثیرگذار در عوامل ادراکی - روانی عبارتند از: رابطه‌ی معنوی، رابطه‌ی احساسی (حس تعلق به فضا)، خوانایی محیط و احساس امنیت.</p>	<p>بحرینی و تاج‌بخش (۱۳۷۷)</p>	<p>عوامل ادراکی - روانی</p>
<p>از تأثیرگذارترین عوامل بر مفهوم قلمرو در محدوده‌های مختلف، مسائل ادراکی - روانی آن است که به دلیل وجود انسان به عنوان کاربر فضا، اهمیت می‌یابد. فاکتورهای تأثیرگذار در عوامل ادراکی - روانی را احساس امنیت، حس تعلق به فضا، خوانایی محیط و نیازها و انگیزه‌های حضور در محیط می‌داند.</p>	<p>عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)</p>	
<p>منظور از عوامل جغرافیایی، ویژگی‌هایی مانند اندازه، وسعت و مکان است که به نوعی بر فعالیت تأثیرگذار است.</p>	<p>آلتمن (۱۳۸۲)</p>	<p>عوامل جغرافیایی - فرهنگی</p>
<p>معمولاً قلمروها با دو جنبه‌ی مهم‌تر که یکی مرز هر قلمرو با قلمروهای مجاور، و دیگری مرکز هر قلمرو است؛ تعریف می‌شوند. عوامل فرهنگی نیز از دسته عواملی هستند که تا حدی با عوامل اجتماعی مربوط بوده و به هویت فرهنگی، آداب و رسوم و یا اعتقادات و باورها می‌پردازند.</p>	<p>عینی فر و آقالطیفی (۱۳۹۰)</p>	
<p>یکی از مهم‌ترین معیارها برای دسته‌بندی قلمروها که می‌تواند بر سایر عوامل سیطره افکند؛ مدت و زمان استفاده از قلمروها است. از جهت دیگر مدت زمان استفاده از قلمرو بر ماهیت آن نیز تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که می‌توان برخی از قلمروها را موقتی‌تر (مثل صندلی اتوبوس) و برخی دیگر را دائمی‌تر (مثل خانه) دانست.</p>	<p>آلتمن (۱۳۸۲)</p>	<p>عامل زمان</p>
<p>قلمروها را می‌توان به دو دسته‌ی قلمروهای فضایی موقت و دائمی تقسیم کرد که معمولاً قلمروهای فضایی موقت شخصی‌سازی نمی‌شوند.</p>	<p>لنگ (۱۳۸۳)</p>	



بدین ترتیب، قلمرو مفهومی پیچیده است که از یک سو فضایی است و از سوی دیگر متأثر از عوامل اجتماعی، ادراکی-روانی، کالبدی، کارکردی، جغرافیایی-فرهنگی و زمان است. همچنین می‌توان احساس مالکیت و حق نسبت به مکان، شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری مکان، حق دفاع در مقابل مزاحمت و در نهایت تأمین امکاناتی برای پاسخگویی به نیازهای جسمانی تا نیازهای شناختی و زیباشناختی را از ویژگی‌های آن دانست.

**۳. شناخت بستر پژوهش**

در این قسمت به معرفی بافت پیرامون حرم امام رضا(ع) با توجه به تحولات آن در گذر تاریخ و معرفی محله‌ی نوغان پرداخته می‌شود.

**۳-۱. تحولات بافت پیرامون حرم امام رضا(ع) در گذر تاریخ**

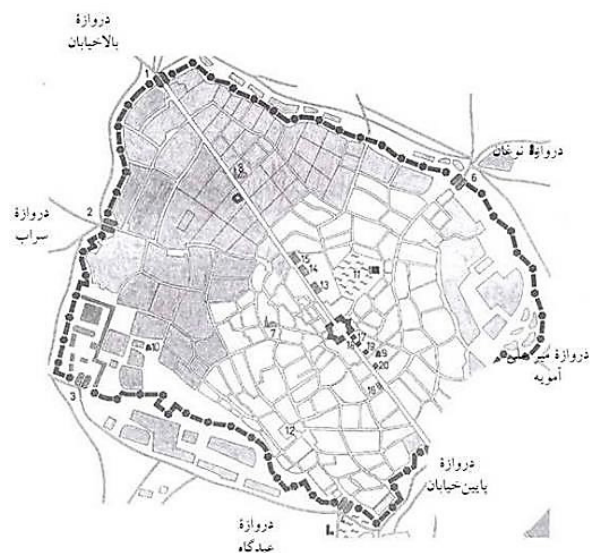
بی‌شک رشد و توسعه شهر مشهد در طول تاریخ، به شدت متأثر از حضور حرم مطهر حرم امام رضا(ع) در این شهر بوده است. بافت پیرامونی حرم نیز در سالیان متمادی (با توجه به حضور خیل کثیری از زائران)، همبسته‌ی هسته‌ی شکل‌دهنده‌ی خود شده و نتیجه آنکه بافت شهری و بنای حرم مطهر، در پیوستگی کامل قرار داشته‌اند. این ارتباط در طول تاریخ،

دستخوش تغییرات فراوانی شده است. به نظر می‌رسد؛ اولین دگرگونی در بافت کالبدی مشهد در عهد صفویه با احداث بالا خیابان و پایین خیابان صورت گرفته است (سیدی فرخند ۱۳۹۲، ۵۷-۵۹). بدین ترتیب اولین مداخله‌ی خارجی در میان بافت قدیمی شهر در دوره‌ی شاه عباس صفوی ایجاد شده است. این مداخله - که تحت تأثیر چهارباغ اصفهان انجام شد- خیابان عریضی است که در امتداد نهر چشمه گیلان قرار داشته و در دو انتهای خود، شهر را از طریق دو دروازه کوچن و پایین خیابان به هم وصل می‌کرد و حرم مطهر در وسط این خیابان قرار می‌گرفت (محمد مرادی ۱۳۸۱، ۴۷). تصویر ۱، موقعیت این خیابان و عناصر کالبدی شهر مشهد را نشان می‌دهد.

دومین تغییر اساسی در ساختار کالبدی شهر مشهد، مربوط به دهه‌ی اول قرن چهاردهم شمسی است. شواهد تاریخی حاکی از آن است که مشهد در اوایل عهد پهلوی هنوز ساختار قدیمی خود را داشته و محلات پیرامون آن دارای کوچه‌ها و معابر تنگ و کم عرض و خانه‌ها و دکان‌ها و کاروانسراها و مرکز بیتوته‌ی زائران و مسافران بوده است؛ تا آنکه در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ شمسی، خیابان مدور (فلکه‌ی حرم) به عرض ۳۰ متر در اطراف حرم احداث شد (تصویر ۲) (قصابیان ۱۳۷۹، ۵۱-۵۲).

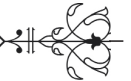


تصویر ۲. فلکه‌ی حرم  
(مأخذ: [www.khorasan.isna.ir](http://www.khorasan.isna.ir))



تصویر ۱. شهر مشهد و دروازه‌های آن پس از احداث خیابان (مأخذ: سیدی فرخند ۱۳۹۲، ۷۳)



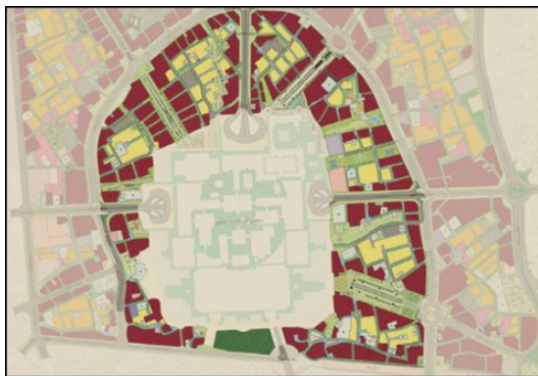


مطهر قرار گرفته؛ تمامی کاربری‌ها تجاری-اقامتی (هتل و زائرسرا) است. در سطح دو، که بعد از شارستان رضوی قرار گرفته؛ امکان ایجاد فضاهای مسکونی بعد از یک لایه‌ی تجاری-اقامتی پیش‌بینی شده است (تصویر طرح). در تمام این دو سطح به‌ویژه سطح یک، بافت مسکونی همجوار بایستی به‌صورت کامل تخریب شود و اکثر ساکنین آن با اجبار به محلاتی با فاصله‌ی زیاد از حرم نقل مکان کنند. در بررسی محدوده‌هایی که طرح به اجرا رسیده است؛ خانه‌های قدیمی از میان رفته و خبری از واحدهای همسایگی و هویت اجتماعی نیست. لازم به ذکر است بافت جایگزین، آنقدر پرتراکم است که حتی از اکثر کوچه‌های اطراف، امکان رؤیت و یا جهت‌یابی به سمت حرم وجود ندارد. این‌درحالی است که به جای آنها، در لایه‌ی نخست هتل‌های بلندمرتبه و در پس آنها، مهمانسراهایی با نماها و مصالح به ظاهر نوین ایجاد شده‌اند و آنچه بیش از پیش نمود دارد؛ غلبه‌ی انگاره‌های اقتصادی و منفعت‌طلبی است که منجر به از دست دادن ساکنان اصلی بافت شده و چیزی از هویت آن باقی نگذاشته است.

سومین مرحله‌ی تخریب و تغییر در بافت پیرامون حرم مطهر، مربوط به اجرای طرح فلکه‌ی حضرت با وسعت ۳۰ هکتار در سال ۱۳۵۴ شمسی بود که بخشی مهم از قسمت جنوبی منطقه، حدفاصل نوغان و حرم مطهر از جمله باغ رضوان تخریب و بازسازی شد. همچنین در ادامه‌ی طرح توسعه حریم رضوی، به وسعت ۵۷ هکتار که از سال ۱۳۶۰ شمسی از طرف آستان قدس رضوی آغاز گردید (همان، ۵۳).

چهارمین مرحله از تغییر و دگرگونی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> را می‌توان ناظر بر طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامونی حرم مطهر دانست. مقدمات این طرح - که توسط مهندسين مشاور طاش تهیه گردیده بود- در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید. این طرح بعد از بازنگری سال ۱۳۷۸ توسط سازمان عمران و بهسازی شهری، در دستور کار قرار گرفت که تغییرات عمده‌ای را در ساختار کالبدی محلات اطراف حرم، ایجاد نمود.

در این طرح دو سطح از اقامت در چهار قطاع، در نظر گرفته شده، که این دو سطح با شربانی به نام شارستان رضوی از یکدیگر جدا شده‌اند. در سطح یک، که در همسایگی حرم



تصویر ۳. تغییر کاربری بافت پیرامونی در طرح مصوب (مأخذ: [www.maskansamen.ir](http://www.maskansamen.ir))



تصویر ۴. احاطه‌ی حرم رضوی با بناهای بلندمرتبه که امکان رؤیت از معابر اطراف را ناممکن می‌سازد (مأخذ: [www.maskansamen.ir](http://www.maskansamen.ir))



از ویژگی‌های تأثیرگذار در بافت این محله، می‌توان به حضور شبانه‌روزی زائران در محله و اقامت آنها در خانه‌های ساکنان اشاره کرد. زندگی همزمان ساکنان با سابقه‌ی سکونت‌ی بالغ بر پنجاه سال در کنار زائرانی با فرهنگ، آداب و رسوم و گاه ملیت متفاوت در یک واحد سکونت‌ی، سبب اختلاط بین عرصه‌ی زیستی شده است. این موضوع سبب شده است تا بهسازی و نوسازی محله، نیازمند ملاحظات خاص باشد. زیرا، از یک‌سو با توجه به اینکه معماری در شهرهای خاص اسلامی مانند مشهد می‌تواند تأثیر خاصی بر مراجعان و ساکنان داشته باشد؛ وظیفه‌ی معماران در این شهرها برای احیای هویت شهر دوچندان است. از سوی دیگر، سابقه‌ی همنشینی زائران و مجاوران<sup>۳۳</sup> در شهر مشهد، گونه‌ای از سکونت را ارائه داده است که برای هر دو قشر منفعت داشته است. مجاور علاوه بر اینکه از حضور زائران در محله، بهره‌ی مالی می‌برد؛ از بعد امنیت محیط (به جهت تردد شبانه‌روزی زائران)، افزایش تعاملات اجتماعی و رضایت روانی (باور به انجام کار نیک به‌واسطه‌ی خدمت به زائران امام رضا<sup>(ع)</sup>) نیز بی‌بهره نمی‌ماند. زائران نیز از الگوی سکونت‌ی متناسب با شیوه‌ی زیست و سطح مالی خود استفاده می‌نمایند. بدین ترتیب برهم خوردن این نظام قلمرو علاوه بر اینکه بر محیط شهری تأثیری ندارد؛ این دو گروه را نیز دچار چالش می‌نماید.

#### ۴. رویه‌ی انجام پژوهش

برای بررسی نظام قلمروهای انسانی در محله‌ی نوغان، از روش پرسشنامه باز (سؤالات تشریحی) و مشاهده استفاده شده است؛ با توجه به هدف پژوهش، مخاطبان این تحقیق، ساکنان و زائران ساکن در محله‌ی نوغان بودند؛ لذا برای این دو گروه مخاطب دو نوع پرسشنامه تهیه گردید. با توجه به نتایج پایلوت پیمایش، برای بالا بردن دقت پژوهش، اطلاعات پرسشنامه توسط پژوهشگر تکمیل شده و همچنین برای دقت بیشتر در متن پرسشنامه برای هر سؤال یک سؤال پشتیبان در نظر گرفته شد. در پیمایش انجام شده، ۴۰ عدد پرسشنامه در بین ساکنان و زائران ساکن در محله‌ی نوغان بررسی گردید که سهم هر دسته از مخاطبان نیمی از مجموع بوده است. همچنین برای درک

### ۳-۲. محله نوغان

شهر مشهد در قرون اولیه‌ی اسلامی از تلفیق شهر باستانی نوغان و روستای همجوارش، سناباد به وجود آمده است (تصویر ۵). این محل قدمتی بالغ بر هزار و دویست سال دارد. نوغان فعلی - که بازمانده‌ی بافت اصلی و قدیم است - در شمال شرق مشهد قرار دارد؛ و یکی از مهمترین محله‌های مشهد است و با وجود اینکه به مرور زمان تغییرات زیادی در آن روی داده؛ هنوز آثار بسیاری در این محله کهن باقی مانده و به خوبی می‌توان بقایای آداب و رسوم و لهجه و لباس و غذاهای قدیم نوغان را در آنجا ملاحظه نمود. این محله به رسم قدیم دروازه‌ای داشته است که در نوسازی شهر در سال‌های ابتدایی قرن، از بین رفته است. حصار شهر نیز با دیواره بلند و برج‌های مخصوص، این محله را دربر می‌گرفت. این محله به دالان‌های تنگ و باریک، مساجد کهن (مانند مسجد خونی، هفت‌دره و کشمیری‌ها)، دارا بودن تأسیسات زیربنایی مانند حمام‌ها و آب‌انبارها و وجود دروازه و یخدان بزرگ شهره بوده است. این محله دارای زیرمحلّاتی به نام‌های طپ‌المحله، کشمیری‌ها بوده است. امروزه محله‌ی نوغان در محدوده‌ی طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر در قطاع دو<sup>۳۱</sup> از قطاع‌های چهارگانه‌ی آن قرار گرفته است.<sup>۳۲</sup> یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی این محله قرارگیری حرم مطهر در جهت قبله است که از آن به ذوق‌بختین بودن محله اشاره می‌کنند. این ویژگی سبب اسکان زائران کشورهای عربی مانند لبنان، بحرین، عراق می‌گردد (اثر و اوت ۱۳۸۹).



تصویر ۵. موقعیت نوغان و سناباد در قرون اولیه اسلامی (مأخذ: سیدی فرخند ۱۳۹۲، ۴۳)



بهبتر مفهوم قلمرو، همزمان با پر کردن پرسشنامه از روش مشاهده نیز استفاده گردید.

### ۵. بحث و تحلیل پژوهش

در ادامه ابتدا ویژگی های فردی مخاطبین بیان می گردد. سپس نتایج بدست آمده پژوهش با توجه به مبانی نظری مطرح شده، در دسته های قلمرو ارائه شده و در نهایت سیر تحول قلمرو در بافت مسکونی پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) و عوامل مؤثر بر آن بیان می گردد.

### ۵-۱. ویژگی های فردی مخاطبین

در این قسمت نتایج ویژگی های فردی پرسش شوندهان ارائه می گردد. لازم به ذکر است پرسش شوندهان در دو دسته کلی ساکنان و زائران بوده اند که ساکنان خود به دو دسته مالکین و مستأجرین تقسیم شده اند. همچنین یکی از شاخصه های تأثیرگذار بر قلمرو، برای زائران، مدت اقامت آنهاست که این شاخصه به دو بخش مدت اقامت در محله و مدت اقامت در واحد اقامتی تقسیم گردیده است.

جدول ۲. جدول ویژگی های فردی ساکنان (مأخذ: نگارندگان)

ساکنان		ویژگی های فردی	
نوع اقامت	۶۵ درصد مالک، ۳۵ درصد مستأجر		
جنسیت	۶۵ درصد زن - ۳۵ درصد مرد		
سن	میانگین سنی پاسخ دهندگان برابر ۵۴/۶ سال می باشد.		
محل اشتغال سرپرست خانوار	محل اشتغال سرپرست خانوار ساکنان، هم در داخل محله و هم در خارج از محله ذکر شده که سهم بیشتر آن را خارج از محله داشته است.		
فرهنگ مرجع	مالکین		۶۵ درصد از مصاحبه شوندهان به عنوان ساکن، مالک هستند. - از مجموع ساکنان، ۳۵ درصد مشهدی و ۳۰ درصد متعلق به شهرهای دیگر بوده اند (شهرها دارای تنوع جغرافیایی هستند؛ از جمله چناران، چکنه سروالایت سبزوار، میبد یزد، طرهبه و کنگ
	مستأجرین		- از بین ۳۵ درصد مستأجر، ۲۰ درصد ایرانی (متعلق به شهرهای مختلف دور و نزدیک مانند بندرانزلی، دامغان و نیشابور) و ۱۵ درصد غیر ایرانی (پاکستانی و تاجیکستانی)
مدت اقامت در محله	مالکین		میانگین مدت اقامت آن ها ۳۷/۳۸ سال است.
	مستأجرین		میانگین سکونت در محله ۱۲/۵ سال است.
مدت اقامت در منزل مسکونی	از میان مالکین ۵۰ درصد در طول اقامت خود در این محله، در همین منزل مسکونی اقامت داشته اند که میانگین آن برابر ۳۵/۲ سال می باشد.		



جدول ۳. جدول ویژگی های فردی زائران (مأخذ: نگارندگان)

زائران		ویژگی های فردی
جنسیت	۷۵ درصد زن، ۲۵ درصد مرد	
سن	میانگین سنی آن ها برابر ۳۷/۸۵ سال می باشد.	
فرهنگ مرجع	۵۵ درصد از استان اصفهان و سایر آن ها از شهرهای تهران، میانه، سبزوار و شیروان آمده بودند.	
مدت اقامت <sup>۳۴</sup>	مدت اقامت در محله - میانگین مدت اقامت زائران در مشهد ۳/۹ روز می باشد. - تنها ۲۵ درصد از زائران بیش از یک بار به این محله آمده اند.	
مدت اقامت در منزل مسکونی	مدت اقامت در هیچکدام از زائران در محل اقامت قبلیشان، اقامت نکرده اند.	

### ۵-۲. نظام قلمروهای انسانی در محله ی نوغان

- قلمرو عمومی  
برای بررسی مفهوم قلمرو عمومی برای مخاطبین پژوهش (ساکنان و زائران ساکن در محله ی نوغان)، پرسش هایی مبتنی بر، بررسی نام محله، محدوده ی جغرافیایی آن و تأثیر حرم مطهر بر ادراک افراد (مانند مکان احساس حرم برای مخاطبین و مسیر و تعداد تشریف آنها) مطرح گردید که مقایسه و تحلیل آن در جدول ۴ به تفصیل ارائه شده است.

در بخش های پیمایش، نظام قلمروهای انسانی (منتج از مطالعات ارائه شده در مورد مفهوم قلمرو و عوامل تأثیرگذار بر آن در قسمت مبانی نظری) سنجیده شد. در ادامه، درک مخاطبین این پژوهش نسبت به قلمرو عمومی، ثانویه و اولیه بررسی و نتایج آن به تفکیک مخاطب ارائه شده است.

جدول ۴. مقایسه ی مفهوم قلمرو عمومی برای ساکنان و زائران (مأخذ: نگارندگان)

پرسش	ساکنان	زائران	تحلیل
نام محله	تنها ۱۵٪ از نام کلی محله ی نوغان استفاده شده است. ۸۵٪ از ساکنان علاقه مند به استفاده از نام قدیمی کوچه ها و محلات هستند (هیچ یک از مستأجرین از نام جدید کوچه ها استفاده نکرده اند).	۳۰٪ نام محله را نادرست ذکر کرده اند و ۴۵٪ نیز اظهار بی اطلاعی کرده اند و تنها ۲۵٪ به نام نوغان و کوچه ی نوغان ۴ اشاره کرده اند.	درک محدوده ی محله برای ساکنان، بسیار فراتراز محدوده جغرافیایی محله بوده است و در مقابل زائران درک درستی از محله اقامت خود ندارند. این موضوع علاوه بر آنکه اثربخشی عامل زمان را نشان می دهد؛ ناخوانا بودن عرصه ی عمومی را نیز متذکر می شود.
محدوده محله	۲۵٪ از ساکنان تا محدوده ی حرم مطهر، ۵۰٪ از ساکنان کل قطاع ۲ و ۲۵٪ تنها کوچه ی محله ی زندگی خود را به عنوان محله خود اعلام کرده اند.	۲۰٪ تا محدوده ی حرم مطهر و ۳۰٪ تا فلکه طبرسی و ۴۵٪ تا آستانه ی محل اقامتشان را محله ی خود می دانستند و ۵٪ نیز اظهار بی اطلاعی کردند.	





مکان احساس حرم امام (رضاع)	نیمی از مالکین از خانه‌ی خود حرم را حس می‌کنند؛ این در حالی است که هیچ یک از مستأجرین از خانه‌ی خود حرم را حس نمی‌کند. همچنین هیچ یک از مستأجرین برای احساس حرم نیاز به دیدن آن ندارد.	نزدیک به نیمی از زائران شهر مشهد را به عنوان نماد امام رضا(ع) می‌دانند؛ احساس حرم برای ۴۰٪ مشروط به دیدن آن است.	هر چه مدت اقامت افراد در یک مکان کمتر می‌شود؛ بر احساس آن‌ها از حرم تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که زائران و در مرحله‌ی بعد مستأجران هیچکدام از محل اقامت خود حرم را حس نمی‌کنند.
تعداد تشریف و مسیر تشریف	اکثر افراد حداقل هفته‌ای یکبار به حرم مشرف می‌شوند. مسیر تشریف عبارتست از: ۴۵٪ از طپ المحله و بازارچه‌ها، ۲۵٪ از خیابان‌های اصلی (۱۵٪ از طبرسی و ۱۰٪ از نوغان) و ۳۰٪ از کوچه‌های اطراف (حمام باغ و تشکری) به حرم مشرف می‌شوند.	تمامی زائران حداقل روزی ۲ بار و حداکثر روزی ۳ بار و تمام طول روز را در حرم مطهر هستند. ۳۵٪ زائران از همان معبری که حرم را حس می‌کنند؛ به حرم می‌روند.	مالکین و مستأجرینی که حرم را از محله خود حس می‌کنند؛ از همان مسیر به حرم می‌روند. افرادی که از خانه‌ی خود، حرم را حس می‌کنند و یا احساس حرم برای آن‌ها مکانیت ندارد؛ معمولاً از کوچه‌های فرعی به حرم می‌روند.

### - قلمرو ثانویه

فضای مشترکی هستند. به‌واقع با توجه به زندگی همزمان زائران با ساکنان در یک مسکن، نیاز به بررسی این بود چه فضاهایی و به چه میزان اشتراک وجود دارد که مقایسه و تحلیل آن در جدول ۵ به تفصیل ارائه شده است.

برای بررسی قلمرو ثانویه، پرسش‌هایی در راستای درک مخاطبین از «احساس فضای خود» مطرح گردید. همچنین از آن‌ها خواسته شد تا اعلام کنند که کدام فضایشان با سایرین مشترک است و اینکه علاقه مند به داشتن چه نوع

جدول ۵. مقایسه‌ی مفهوم قلمرو ثانویه برای ساکنان و زائران (مأخذ: نگارندگان)

پرسش	ساکنان	زائران	تحلیل
احساس فضای خود	۲۰٪ از پاسخ‌دهندگان احساس فضای خودی را از حرم و ۶۰٪ از کوچه‌ی محل زندگیشان و ۲۰٪ فراتر از سطح کوچه‌ی محل زندگی شان بیان کرده‌اند. ۳۵٪ از ساکنان که مستأجر بودند؛ آخرین محله‌ی اقامت خود را به عنوان فضای خود معرفی کرده‌اند. اکثر مالکین نام معبری را آورده‌اند که از آنجا به حرم می‌روند؛ این در حالیست که هیچکدام از مستأجران درک فضای خودشان، با مسیری که به حرم می‌روند؛ منطبق نیست.	زائران نشانه‌ها و نقاط شاخصی در محله برای خود تعیین کرده‌اند و برای تعریف فضای خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. این نشانه‌ها از سطح خرد مانند یک بنا در نزدیک محل اقامت تا نام خیابان و میادین بزرگ را در بر می‌گیرد.	نزدیکی مکانی به حرم به آن در درک «فضای خودی» ساکنان تأثیرگذار بوده است. اکثر افراد نام معبری را آورده‌اند که از آنجا به حرم می‌روند. تمامی افراد برای احساس فضای خود مکان‌های شاخص <sup>۳۵</sup> را بیان کرده‌اند.
مرزهای قلمرو ثانویه	۳۰٪ از پاسخ‌دهندگان دارای فضاهای مشترک با سایرین هستند؛ این افراد که زائر یا مستأجر به خانه‌ی خود می‌آوردند؛ فضاهای مشترک خود را در ورودی، فضای پیش‌ورودی و در چند مورد هم آشپزخانه، حمام و توالت اعلام کردند.	همچنین برای زائران در تمامی موارد در ورودی منزل، راهرو و فیلتر اتاق‌ها مشترک بودند. تنها در یک مورد علاوه‌بر آنها، مواردی مانند سرویس بهداشتی، اتاق خواب (و گاه تمامی فضایشان) با سایر زائران مشترک بوده است.	مفهوم قلمرو ثانویه با توجه به حضور همزمان زائران و مجاورین در یک منزل مسکونی، با نوعی سیالیت روبه‌رو است که با توجه به درک افراد کوچک یا بزرگ شده و در جهت نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی در حرکت است.



**- قلمرو اولیه**  
 برای بررسی قلمرو اولیه، از مکان شکل‌گیری فضای خصوصی ساکنان و مرزهای قلمرو اولیه پرسیده شد؛ در واقع از آن‌ها خواسته شد تا محدوده قلمرو اولیه خود را با ذکر مکان بیان کنند. مقایسه و تحلیل نتایج در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. مقایسه‌ی مفهوم قلمرو اولیه برای ساکنان و زائران (مأخذ: نگارندگان)

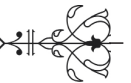
پرسش	ساکنان	زائران	تحلیل
درک فضای خصوصی	برای ۴۰٪ از ساکنان از محدود آستانه‌ی ورودی و ۲۵٪ از حیاط، ۵٪ از داخل فضای سکونت است و ۲۰٪ گفته‌اند که چنین فضایی ندارند. ۱۰٪ نیز پاسخ ندادند.	شکل‌گیری فضای خصوصی ۴۰٪ از زائران از آستانه‌ی ورودی و ۴۰٪ نیز از فضای داخلی محل اقامتشان است و ۲۰٪ اعلام کرده‌اند که فضای خصوصی در محل اقامت خود ندارند.	هرچه مدت اقامت ساکنان بیشتر می‌شود؛ نفوذ به داخل خانه‌ی آن‌ها سخت‌تر بود. قلمرو اولیه مالکینی که در خانه مستأجر و زائر داشتند؛ عقب‌تر نشسته بود و در واقع می‌توان گفت قلمرو اولیه در این منطقه از نظر ماهیت محدود شده است.
مرزهای قلمرو اولیه	تمامی مالکین از آستانه‌ی ورودی منزل خود اجازه وارد شدن به هیچ‌کس را نمی‌دهند؛ اما افرادی که در خانه‌ی خود مستأجر و زائر داشتند؛ نفوذ به داخل خانه‌ی آن‌ه راحت‌تر بود. همچنین مرزهای قلمرو در بین مستأجرین انعطاف‌پذیرتر بوده است.	۹۵٪ اعلام کردند که صاحبخانه و یا دیگر زائران تا آستانه‌ی ورودی محل اقامتشان حق رفت‌وآمد دارند و تنها یک نفر اعلام کرد که تمامی فضاهایشان با سایر زائران به صورت تفکیک (زنانه و مردانه) مشترک است.	همچنین با توجه به مشاهدات میدانی می‌توان گفت برخلاف اعلام زائران مبنی بر خصوصی بودن فضای داخلی محل اقامت، این فضاها برای افراد حکم فضای خصوصی را ندارد؛ بلکه می‌توان از آن به فضای نیمه‌خصوصی یا حتی نیمه‌عمومی یاد کرد.

### ۳-۵. سیر تحول قلمرو در بافت مسکونی پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)

خصوصی و نیمه‌خصوصی بسیار قوی است. در واقع قلمرو خصوصی این افراد مساحت بیشتری را نسبت به دو دسته‌ی دیگر دربرمی‌گیرد. دسته‌ی دوم مالکینی هستند که مستأجر می‌آورند؛ این دسته نسبت به دسته‌ی سوم که مالکینی هستند که زائر در خانه‌ی خود می‌پذیرند، قلمروهای قوی‌تر دارند. در این دو دسته تنوع فضایی نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی مشهودتر است. دسته‌ی چهارم نیز مستأجرانی هستند که در بافت زندگی می‌کنند؛ که طبق مشاهدات میدانی به دو بخش تقسیم می‌شوند. افرادی که یک خانه را به صورت در بست اجاره می‌کنند و افرادی که با صاحبخانه زندگی می‌کنند. بدیهی است که در حالت اول افراد قلمروهای قدرتمندتری دارند. همچنین می‌توان گفت که تعصب به قلمروهای این افراد با دسته‌ی اول تقریباً برابری می‌کند. در نهایت دسته‌ی آخر، زائران هستند که برای مدت موقت به مشهد می‌آیند. این افراد نسبت به چهار دسته‌ی قبل قلمروهای ضعیف‌تری دارند و در

نتایج حاصل از بررسی‌ها بیانگر وجود مفهومی خاص از قلمرو در محله نوغان مشهد، به سبب همنشینی زائر و مجاور است؛ به نحوی که کالبد واحد برای ساکنان و زائران، معنای متفاوتی دارد. ساکنان با توجه به عوامل متفاوتی مانند مدت سکونت، فرهنگ مرجع و نوع اقامتشان، برخوردهای متفاوتی با هریک از این فضاها دارند. برای مثال اکثر مالکین نسبت به مستأجرین از قلمروهای قوی‌تری برخوردارند؛ البته میزان قدرت قلمروها با پذیرش مستأجر و یا زائر به شدت تغییر می‌کند. در واقع مرزهای قلمرو سست‌تر می‌شود و قلمرو خصوصی به عقب می‌نشیند. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته ساکنان این منطقه به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ی نخست کسانی هستند که زائر و مستأجر در خانه خود نمی‌پذیرند که اغلب این افراد، اصالتاً مشهدی هستند. در این دسته، مرزهای قلمرو





اقامت، مدت اقامت و فرهنگ مرجع) در سه نظام قلمرو انسانی به تفکیک مجاورین و زائران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

واقع طبق دسته‌بندی ارائه شده، فضای داخلی اقامتشان را می‌توان به عنوان فضای نیمه‌خصوصی اعلام کرد؛ در واقع این افراد فضای خصوصی ندارند. در جدول ۷ مهمترین و تأثیرگذارترین شاخصه‌های قلمرو در این پژوهش (نوع

جدول ۷. بررسی تأثیرگذارترین شاخصه‌های قلمرو (مأخذ: نگارندگان)

شاخصه	جامعه آماری	قلمرو اولیه	قلمرو ثانویه	قلمرو عمومی
مدت اقامت	ساکنان	با افزایش مدت اقامت ساکنان قلمرو اولیه آن‌ها قوی‌تر و نفوذ به داخل خانه‌ی آن‌ها سخت‌تر می‌گردد. در مقابل، قلمرو اولیه مالکینی که در خانه‌ی خود مستأجر و زائر داشتند؛ از نظر ماهیت محدود شده است.	افزایش مدت اقامت در افزایش درک فضای خودی تأثیرگذار است و سبب قوی‌تر شدن مرزهای قلمرو و کنترل و نظارت بیشتر بر آن می‌شود. قلمرو ثانویه برای ساکنان حکم فضای نیمه‌خصوصی را دارد.	با توجه به میانگین سکونتی بالغ بر ۲۵ سال، درک محدوده‌ی ادراکی محله برای ساکنان، بسیار فراتر از محدوده‌ی جغرافیایی آن محله می‌باشد. مدت اقامت افراد در یک منزل مسکونی و محله، بر نحوه‌ی حس آن‌ها از حرم تأثیر می‌گذارد. افراد از همان مسیری که حرم را حس می‌کنند؛ به حرم مشرف می‌شوند.
	زائران	با توجه به کم بودن مدت زمان اقامت زائران، می‌توان گفت قلمرو اولیه آن‌ها شامل فضای خصوصی نیست، بلکه می‌توان از آن به فضای نیمه خصوصی یاد کرد.	با توجه به کم بودن مدت زمان اقامت زائران، قلمرو ثانویه برای آن‌ها حکم فضای نیمه‌عمومی را دارد و رفتارهایی آن‌ها به خوبی بیانگر این موضوع است.	مدت زمان کوتاه اقامت سبب ناخوانا بودن مسیر و عدم درک درست از قلمرو عمومی برای زائران شده است. احساس حرم برای زائران وسیع‌تر از ابعاد کالبدی آن می‌باشد.
فرهنگ مرجع	ساکنان	اختلاط فرهنگی بسیاری در بافت وجود دارد که از این میان مشهدی‌ها از قلمروهای اولیه‌ی قوی‌تری برخوردارند.	مرزهای قلمرو ثانویه برای ساکنان شفاف‌تر می‌باشد.	افرادی که سابقه‌ی سکونتی بالا در بافت دارند و به خصوص مشهدی‌های ساکن در بافت، درک بهتری از قلمرو عمومی (ابعاد جغرافیایی محله) دارند.
	زائران	با توجه به هنجارهای هر فرهنگ متفاوت است ولی برای اکثریت زائران این فضا نیمه‌خصوصی می‌باشد.	عدم درک مناسب از فضای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی (قلمرو ثانویه) زائران سبب انجام یکسری از رفتارها نامتعارف در بافت می‌شود.	زائران فارسی زبان نسبت به سایرین درک بهتری از قلمرو عمومی دارند.

عرصه‌ی عمومی یا خصوصی در حرکت است؛ و این ماهیت سیال، کمتر با ابعاد کالبدی تفکیک شده و بیشتر مربوط به ابعاد ادراکی-روانی است. حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر قلمرو است که نظام ادراکی موجود بر دستخوش تغییر کرده است. به سبب اثربخشی این عامل بر ادراک ساکنان، مدت سکونت و رضایتمندی آن‌ها افزایش

باتوجه به نتایج می‌توان گفت الزامات مکانی و زمانی همنشینی زائران و مجاوران در یک منزل مسکونی، سبب بروز معانی نوینی از عنصر قلمرو شده تا آنجا که قلمرو اولیه محدود شده و قلمرو ثانویه ماهیتی دوگانه و سیال به خود گرفته است که با توجه به ویژگی‌های مخاطب‌های آن (فرهنگ مرجع، مدت اقامت، نوع اقامت و...) به سمت



بناهای جایگزین کمکی به این الگو نمی‌کنند و نوعی از نظام اجتماعی طبقاتی را می‌پروراند که در آن زائر کم‌درآمد حق همجواری سکونتی را ندارد.

با توجه به موارد مطرح‌شده، می‌توان دریافت که ماهیت بافت قلمرو در محدوده‌ی اطراف حرم به واسطه‌ی حضور زائر و مجاور در یک محل، از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. از سوی دیگر، مداخلات کالبدی انجام شده در محدوده، سبب تحولاتی در حیات جاری در محلات اطراف حرم شده است. بدین ترتیب با مرور سیر تحول بافت مسکونی پیرامون حرم مطهر، می‌توان ادعا نمود دگرگونی‌های پیاپی این بافت مسکونی، به‌ویژه با اجرای طرح بهسازی نوسازی، عوامل مؤثر بر قلمرو را متأثر کرده و درنهایت نوعی دگردیسی در مفهوم قلمرو را پدید آورده است؛ در این میان تعاملات اجتماعی مردم تغییر کرده و هویت و مشارکت جمعی با اجرای طرح و جابه‌جایی ساکنان منطقه به سایر نقاط شهر کاهش یافته و در معرض نابودی است. تخریب‌های گسترده‌ی بافت، سبب از بین رفتن نظم و آرامش فیزیکی، نظم بصری و تعادل میان فضای باز و بسته شده، همچنین در پی این تخریب‌ها نظم سلسله‌مراتبی و به تبع آن عوامل کارکردی دچار دگرگونی شده است؛ و در نهایت بر امنیت، حس تعلق و خوانایی - از شاخصه‌های عوامل ادراکی - روانی - تأثیر بسیاری گذاشته است. این در حالی است که این بعد یعنی بعد ادراکی - روانی، موثرترین عامل در شکل‌دهی به قلمرو و نیز حس رضایت‌مندی ساکنان در این محدوده‌ها بوده است.

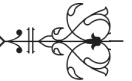
## ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی نظام قلمروهای انسانی در بافت مسکونی اطراف حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> و با تمرکز بر محله نوغان به عنوان نمونه موردی، شکل گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مفهوم قلمرو، مفهومی پیچیده است که سازوکارهای نظارت بر مرز میان خود و دیگران را تعیین می‌کند. از یک سو فضایی است و از سوی دیگر متأثر از عوامل اجتماعی، ادراکی - روانی، کالبدی، کارکردی، جغرافیایی - فرهنگی و زمان. این مفهوم در محدوده‌ی اطراف حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup>،

یافته است. با این وجود بازطراحی فضا می‌تواند به تفکیک قلمروها و افزایش رضایت‌مندی هریک از کاربران فضایی کمک شایانی نماید که این موضوع تنها از طریق توجه به هریک از ابعاد نظام قلمرویی ممکن می‌گردد.

از سوی دیگر بافت مسکونی پیرامون حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup>، در طول تاریخ با دگرگونی‌های وسیعی روبرو بوده است که این دگرگونی‌ها بر شاکله‌ی کلی بافت، نحوه‌ی زندگی در آن و نحوه‌ی ادراک آن مؤثر بوده است. آن‌گونه که در مرور تحولات قابل درک است؛ در مداخلات رخ داده در بافت پیرامون حرم مطهر پیش از قرن حاضر (یعنی احداث خیابان در دوره صفوی)، تغییرات چشمگیری در نظام سکونتی بافت رخ نداده است و همواره حرم مطهر و بافت مسکونی کماکان به هم پیوسته بوده و ارتباط خویش را حفظ می‌کردند. این ارتباط با مداخلات ابتدای قرن قدری مختل گردید؛ لیکن پیوستگی آن از بین نرفت. در مرحله‌ی سوم، با گسترش فلکه‌ی حرم و احداث فلکه‌ی حضرتی، میان بافت مسکونی و حرم مطهر فاصله ایجاد شد. هرچند این فاصله، سبب ایجاد وقفه‌ای در زندگی ساکنان محدوده‌ی پیرامونی بود؛ اما بیش از پیش حرم شاخص گردید و دسترسی به آن تسهیل شد. در مداخلات دهه‌های اخیر، مطابق با طرح بهسازی و نوسازی، حیات در بافت پیرامونی حرم رضوی بازتعریف شد. طبق تعریف جدید، دو سطح سکونت با توجه به نزدیکی آن‌ها به حرم وجود دارد که در سطح یک، علاوه بر آنکه فاصله‌ی گسترده‌ای میان بافت مسکونی و حرم مطهر پدید آمده؛ به واسطه‌ی نوع کاربری (یعنی اقامتی و تجاری) در نظر گرفته شده و مقیاس آنها ارتباط گسسته شده و بناها در تعارض با کالبد حرم قرار گرفته‌اند. بنابراین با توجه به بررسی این چهار دوره می‌توان گفت کالبد مسکونی در هر دوران دستخوش تغییرات شده است؛ اما در سه دوره‌ی اول تحولات، به سنت موجود در این بافت (که عبارتست از همنشینی زائران و ساکنان در یک محدوده مسکونی) آسیب چندانی وارد نشده است. در چهارمین دگرگونی انگاره‌های اقتصادی تا حدی قوت می‌گیرد که طرح در پی نابودی سنتی است که سالیان متمادی در بافت جریان داشته است. بدین ترتیب





جایگزین نه تنها کمکی به این الگو نمی کنند؛ بلکه نظام اجتماعی طبقاتی را می پروراند؛ تعاملات اجتماعی مردم را در محلات تغییر می دهد؛ سبب برهم خوردن نظم و آرامش شده و امنیت محیطی، همانکه توسط این الگو تقویت شده بود را برهم می زند. ارتباط بین حرم و ساکنان در لایه های پستی، به جهت ساخت و سازهای پرتراکم، آنچنان برهم می خورد که خوانایی محیط از دست می رود و در نهایت بی توجه به الگوی زیست رایج در اینگونه محلات و بی اعتنا به نظام قلمروی موجود، حیات جاری را دستخوش تغییر پی در پی می کند. این موضوع سبب نوعی دگردیسی در مفهوم قلمرو در این محدوده می گردد.

در نهایت با توجه به لزوم حفظ و احیای هویت شهرهای اسلامی مانند مشهد مقدس، که یکی از راهکارهای آن حفظ و احیای محله های کهن (در جوار حرم رضوی) است؛ می توان پیشنهاد نمود که نظام طراحی در این محلات به گونه ای ارائه شود که کالبد، پشتیبانی لازم از این نظام قلمرویی را داشته باشد. به عبارت دیگر می توان از جایگزینی آپارتمان های مسکونی (که زندگی زائران و مجاورین را کاملاً از یکدیگر تفکیک می کند) پرهیز نمود و به سمت طراحی قلمروهای سیال با سازوکار نظارتی مناسب حرکت کرد تا در این گونه محلات که هویت آنها به اختلاط مجاوران و زائران گره خورده است؛ الگوی سکونتی متناسب با نظام قلمرویی مطلوب ارائه شود. همچنین پیشنهاد می گردد با توجه به اینکه عامل ادراکی-روانی بیشترین اثر را در معنابخشی به محیط داشته است؛ در پژوهش های آتی، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

دارای ویژگی های منحصر به فردی است. نتایج، وجود شکل خاصی از قلمرو را، به سبب همنشینی زائر و مجاور نشان می دهد؛ به نحوی که کالبد واحد برای ساکنان و زائران، معنای متفاوتی دارد. همچنین پژوهش بیانگر آن است که الزامات مکانی و زمانی همنشینی زائران و مجاوران سبب بروز معانی نوینی از عنصر قلمرو شده تا آنجا که قلمرو اولیه محدود شده و قلمرو ثانویه ماهیتی دوگانه و سیال به خود گرفته است و با توجه به ویژگی مخاطب آن (فرهنگ مرجع، مدت اقامت، نوع اقامت و...) به سمت عرصه ی عمومی یا خصوصی در حرکت است. این ماهیت سیال، کمتر با ابعاد کالبدی تفکیک شده و بیشتر مربوط به ابعاد ادراکی-روانی است. حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> مهمترین عامل تأثیرگذار بر مفهوم قلمرو است و نظام ادراکی موجود را برهم می زند. به سبب اثربخشی این عامل بر ادراک ساکنان، مدت سکونت و رضایت مندی آنها افزایش یافته است. به بیانی دیگر وجود عنصری معنوی در محدوده از یک سو، همنشینی خاص بین زائران و ساکنان از سوی دیگر، سبب شده است تا ماهیت قلمرو در این منطقه متمایز باشد.

این موضوع با اجرای طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم رضوی، دچار تغییر شده است. مداخلات شهری تا پیش از اجرای این طرح، به سنت موجود در این بافت (که عبارتست از همنشینی زائران و ساکنان در یک محدوده مسکونی) آسیب چندانی وارد ننموده بود. این در حالی است که در مداخله های اخیر، انگاره های اقتصادی آنقدر قوت می گیرد که طرح در پی نابودی سنتی است که سالیان متمادی در بافت جریان داشته است. بدین ترتیب بناهای

#### پی نوشت

۱. Webster Dictionary
۲. شواهد این نشانه گذاری ها را می توان در غارهایی متعلق به ۳۰۰۰۰ سال پیش مشاهده نمود (راپاپورت ۱۳۸۲، ۶).
۳. Howard, D
۴. Carpenter, C.R
۵. Nice, M.M
۶. همچنین قلمروپایی مفهوم «بقای اصلح» را نیز شامل می شود؛ طبق این مفهوم، بهترین قلمرو از آن قوی ترین است (لاوسون ۱۳۹۱، ۱۷۳).
۷. Aleksander, K
۸. Chermayeff, S
۹. Porteous, J



- Lyman, S.M. ۱۰  
 Scott, M.B. ۱۱  
 El-sharkavi, H. ۱۲  
 Altman, I. ۱۳  
 Brower, S.N. ۱۴  
 Gifford. ۱۵  
 Newman. ۱۶  
 I Bentley, . ۱۷  
 Lang, J. ۱۸  
 Lawson, B. ۱۹  
 Mc Andrew, f. ۲۰

۲۱. این محله در شمال غربی حرم مطهر و در قطاع ۲ قرار گرفته است که با مساحتی حدود ۱۲۴ هکتار، حدود ۳۶ درصد از مساحت ۴ قطاع را به خود اختصاص داده است (اسحاقیان و همکاران ۱۳۹۱).  
 ۲۲. لازم به ذکر است کمترین میزان نسبی مداخله در زمینه بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر، مربوط به این قطاع است (احمدی و همکاران ۱۳۹۳).  
 ۲۳. در گفتمان محلی به ساکنان محلات مشهد، به واسطه موهبت همجواری با حرم مطهر امام رضا(ع)، همجوار گفته می‌شود.  
 ۲۴. در این موضوع تعداد تشرف نیز اثرگذار است که در بین زائران، تعداد تشرف به مشهد از ۱ تا ۴۰ بار متغیر بوده است.  
 ۲۵. این مکان‌ها عبارتند از نام معابر قدیمی مانند: دریادل، حمام‌باغ، چهارراه مقدم، راه‌آهن، طبرسی، و مکان‌های شاخص مثل حرم مطهر، فضای سبز، تکیه علی اکبری‌ها، باغ نادر و مکتب جعفری. این نقاط شاخص می‌تواند در مسیر عبور و مرور روزانه افراد قرار گرفته باشد.

## منابع

۱. احمدی، فرزانه، علی افشار، و آزاده آقالطیفی. ۱۳۹۳. عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بارآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم امام رضا(ع) محله نوغان. هفت شهر (۴۷-۴۸): ۸۴-۷۰.
۲. امیر احمدی، رحمت الله. ۱۳۸۹. پیشینه تاریخی- اجتماعی بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع). مشهد: سازمان مجری طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی (مرکز اسناد و پژوهش‌ها).
۳. اسحاقیان، فرانک، عاطفه حسنی، و سید مسلم سیدالحسینی. ۱۳۹۱. ارزیابی طرح بهسازی و نوسازی قطاع ۲ بافت پیرامون حرم مطهر با تأکید بر حوزه کالبدی- عملکردی. در چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مشهد، دانشگاه فردوسی، ۲۰-۲۱ اردیبهشت.
۴. آلمن، ایروین. ۱۳۸۲. محیط و رفتارهای اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه‌ی علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. بحرینی، سید حسین، و گلناز تاج‌بخش. ۱۳۷۸. مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن. هنرهای زیبا (۶): ۳۱-۱۸.
۶. بنتلی، ای ین، و همکاران. ۱۳۸۵. محیط‌های پاسخده. ترجمه‌ی مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه، و حمیده بزرگ. ۱۳۹۱. الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
۸. دهخدا، علامه. ۱۳۴۵. لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. راپاپورت، آموس. ۱۳۸۲. ابداع معماری، از غار تا شهر. آبادی (۳۰): ۱۱-۴.
۱۰. سیدی فرخ، سید مهدی. ۱۳۹۲. نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۱. عینی‌فر، علیرضا، و آزاده آقالطیفی. ۱۳۹۰. مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی: مطالعه‌ی موردی دو مجموعه‌ی مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. هنرهای زیبا ۳ (۴۷): ۲۸-۱۷.
۱۲. گروه مهندسان مشاور اثر و اوت. ۱۳۸۹. بهسازی و نوسازی بافت طبرسی مشهد (گزارش مطالعات اقتصادی، اجتماعی و طراحی شهری).
۱۳. لاوسون، برایان. ۱۳۹۱. زبان فضا. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر و فؤاد کریمیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. لنگ، جان. ۱۳۹۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.





۱۵. محمدمرادی، اصغر. ۱۳۸۳. مرمت و احیای مدرسه قدسیه اصفهان از نظر تا عمل. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۶. مک اندرو، فرانسیس تی. ۱۳۸۷. روانشناسی محیطی. ترجمه‌ی غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.

## References

1. Altman, Irwin. 2003. *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, and Crowding*. Translate by Ali Namazian. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
2. Ahmadi, Farzaneh, Ali Afshar, and Azadeh Aghalatif. 2015. Effective Factors on Place Attachment in Regeneration of Residential Fabric Surrounding Holy Shrine of Imam Reza Noghan District. *Haft Shahr* (47-48):70-84.
3. Amir Ahmadi, Rahmat Allah. 2010. *Socio-Historical Background of Surrounding Fabric Holy Shrine of Imam Reza*. Mashhad: Contracting Organization of the Improvement and Renovation Project Around the Holy Shrine of Imam Reza.
4. Bahreini, Seyed Hossein, and Golnaz Taj bakhsh. 1999. The Concept of Territory in Urban Areas and the Role of Urban Design in the Realization of Its Own. *Honar-ha-ye-Ziba* (6):18-31.
5. Bentley, Ian, et al. 2006. *Responsive Environments*. Translate by Mostafa Behzadfar. Tehran: Iran University of Science and Technology.
6. Dekhoda, Allameh. 1966. *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran.
7. Eshaghian, Faranak, Atefeh Hasani, and Sayed Moslem Seyed Alhoseini. 2012. Evaluation of Rehabilitation and Modernization Plan in Sector 2 of Surrounding Fabric the Holy Shrine with the Emphasis on Physical Realm – Performance. *In The Fourth Conference of Planning and Urban Management in Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad, 10th-11th May*.
8. Eynifar, Alireza, and Azadeh Aghalatif. 2011. Concept of Territory in Residential Complexes: A Comparative Study of Two High-Rise and Low-Rise Complexes in Tehran. *Honar-ha-ye-Ziba* 3 (47): 17-28.
9. Gifford, Robert. 1987. *Environmental Psychology; Principles and Practice*. University of Victoria.
10. Lawson, Bryan. 2012. *The Language of Space*. Translate by Alireza Eynifar and Foad Karimian. Tehran: University of Tehran.
11. Asar and Evet Consulting Engineers. 2010. *The Improvement and Renovation Tbarsi Fabric in Mashhad (Economic, Social Report and Urban Plan)*.
12. Newman, Oscar. 1996. *Creating Defensible Space*. Institute for Community Design Analysis.
13. Lang, John. 2012. *Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translate by Alireza Eynifar. Tehran: University of Tehran.
14. Mack Andrew, Francis T. 2008. *Enviromental Psychology*. Translate by Gholamreza Mahmoodi. Tehran: Zarfaf-e Asl.
15. Mohammad Moradi, Asghar. 2005. *Renovation and Reclamation of Qodsiye School of Isfahan, From Theory to Practice*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Press.
16. Pakzad, Jahanshah, and Hamideh Bozorg. 2012. *The Introduction to Environmental Psychology for Designers*. Tehran: Armanshahr.
17. Rapaport, Amos. 2003. The Innovation of Architecture: From the Cave to the City. *Abadi* (30): 4-11.
18. Sayedi Farkhad, Sayed Mahdi. 2013. *A Glance to the Historical Geography of Mashhad*. Mashhad: Research Center of Islamic Council of Mashhad.
19. Webster's Univresal Dictionary. 1977. New York: Webster Universal Press.
20. www.khorasan.isna.ir.
21. www.maskansamen.ir



**Explaining the Transformation of the Territory in Residential Hierarchy of Surrounding Fabric of Imam Reza (AS) Holy Shrine: The Case of Noghan District in Mashhad.****Farzaneh Ahmadi \***

tutor Eqbal Lahoori Institute of Higher Education

**Azadeh Aghalatifi \*\*\***

Assistant Professor Shahid Beheshti University

**Ali Afshar \*\***

Assistant Professor Eqbal Lahoori Institute of Higher Education

Received: 2016/12/10

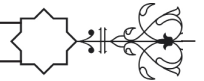
Accepted: 2018/01/25

**Abstract**

One way to improve the quality of the human environment is to clear its spatial hierarchy. For this purpose, public, semi-public, semi-private and private areas should be clearly separated, and their border areas should be distinguished. This will increase the sense of attachment to the environment and gives identity to the residential environments. This article aims to investigate the concept of territory as one of the factors affecting the quality of the human relationship with the residential environment. To achieve this objective, the concept of territory and the factors affecting it are defined. According to the theoretical foundations presented, it can be stated that the territory is a mechanism to monitor the border between self and others, and is a mean to achieve the desired privacy. The main feature of the territory is its high dependency on culture. It also has features such as a sense of identity and possibility of personalization.

Many factors affect the territory, including social factors, cognitive-psychological factors, physical factors, functional factors, geographical-cultural factors, as well as time. The concept also has human systems such as the primary territory (on which individuals have full and extensive monitoring), secondary territory (with less central and exclusive role, and acts as a bridge between the primary and the public territory), and public territory (is quite temporary and almost anyone has access to and the right to use it); according to the research objective, this human hierarchy will be studied in Noghan district.

In the early Islamic centuries, the holy city of Mashhad was created by combining the ancient city of Noghan and the surrounding villages. After the martyrdom of Imam Reza (AS) and joining of Mashhad-al-Reza and Noghan, the name Mashhad became widespread. However, the physicality and name of Noghan still remained in the vicinity of Mashhad until today and for a thousand and two hundred years. Therefore, Noghan is one of the oldest district in the city of Mashhad. Despite the importance of Noghan district in historical studies, beliefs, architecture, and urban planning as an intertextuality document, large part of it disappeared after recent implementation of modernization and reconstruction projects in the fabric surrounding Imam Reza holy shrine. With regard to the physical progress



of the project in other sectors, the least amount of manipulation and progress happened in Noghan district. This represents the necessity to protect the identity of the district. One of the salient features of this district is placement of holy shrine in direction of Qibla, pointed to as bi-qibla feature of the district. This unique feature causes accommodation of pilgrims from Arabic countries in Noghan and sense of attachment of most of the resident to the area.

In this district, because of accommodation of pilgrims in the houses of people residing in the fabric, certain type of life has been formed, and the area classifications and spatial hierarchies have been changed. Therefore, this study examines the spatial hierarchy and the area classification in the district, and finally, provides recommendations to improve the quality of shelter design in the district. This study applies, its variable is qualitative, and its practical method includes document-based studies, questionnaires, and field observations. The results show that the human territory system in Noghan district has taken a special form for simultaneous presence of pilgrims and residents in the same residential house. In fact, due to this coexistence, the initial territory is limited. Secondary territory in this neighborhood has found dual and fluid nature, so as due to the characteristics of its audience (reference culture, length of residence, type of residence etc.) is moving toward the public or private sphere.

This fluid nature is less aggregated to physical dimensions, and more related to perceptive-psychological dimensions. Therefore, due to the simultaneous presence of self and others, the secondary territory in this area is divided into the semi-public and semi-private spaces, where the scale for the area classification varies according to the target audience. Holy Shrine of Imam Reza (AS) is one of the most important factors leading to increased length of residence and satisfaction of residents, and hence affects the perception of territories. In addition, the district due to be near to the holy shrine has a 24 hours living, resulting in increased security. Finally, it can be stated that the nature of the territory in this neighborhood is exposed to a kind of transformation. Thus, since identity of residential hierarchy in the district depends on mixing of residents and pilgrims and its recreating should be performed based on the lifestyle of its residents and the existing territorial system, to preserve the residents of the fabric and enhance local identity.

**Keywords:** Transformation of the Territory, Residential Hierarchy, Noghan District.



**Managing Director:** vice chancellor for  
research-Iran University of Science and Technology

**Editor-in-chief:** Mohsen Feizi

**Administrative Director:**

Fatemeh Mahdizadeh seraj

**Administrative assistant:**

AmirHosein Yousefi- Zahra Kashanidoost

**Persian literary Editor:**

Sara Motevalli

**English literary Editor:**

Mohammadreza Ataei Hamedani

**Editorial Board Members:**

**Hasan Bolkhari:** Associate Professor, Tehran University

**Mostafa Behzadfar:** Professor,

Iran University of Science and Technology

**Mohammad Reza Pourjafar:** Professor,

Tarbiat Modares University

**Mahdi Hamzeh Nejad:** Assistant Professor,

Iran University of Science and Technology

**Esmail Shieh:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Manoochehr Tabibian:** Professor, Tehran University

**Mohsen Faizi:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Hamid Majedi:** Associate Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

**Asghar Mohammad Moradi:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Gholam Hossein Memariyan:** Professor, Iran University

of Science and Technology

**Fatemeh Mehdizadeh:** Associate Professor, Iran University

of Science and Technology

**Mohammad Naghizade:** Assistant Professor, Science and

Research Branch, Islamic Azad University

**Ali Yaran:** Associate Professor, Iran Ministry of Science,

Research and Technology

**Design assistant:** AmirHosein Yousefi

**Reviewers for Volume5, Number3:**

**Mehran Alalhesabi:** Associate Professor, Iran University of Science and Technology

**Mohammad saleh shokohi bidhendi:** Assistant professor, Iran University of Science and Technology

**Samaneh Taghdir:** Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

**Hasan Sajadzadeh:** Assistant Professor, University of Boali

**Abas Ghafari:** Assistant Professor, Art University of Tabriz

**Mohamad Bagher Kabirsaber:** Assistant Professor, University of Tehran

**Mansureh Tahbaz:** Associate Professor, Sahid Beheshti University

**Abolfazl Meshkini:** Assistant Professor, Tarbiat Modares University

**Masood Nari Qomi:** Lecturer, Kashan University





▣ **Suggesting a New Practical Model for Architectural Design Process Based on Islamic Ontology**

Karim Mardomi / Mohsen Dehghani Tafti

▣ **The Ontology of Historic Places: An Ontological Contemplation on Historic Places in the Light of the Doctrine of Principality of the Existence**

Farzaneh Ahmadi / Ali Afshar / Azadeh Aghalatifi

▣ **Urban services planning for the pilgrims around the holy shrines- Case study; the core of Qom City**

Mehran Alalhesabi / Mohamad Anampour / Haleh Hosseinpour

▣ **Analysis of Contents of Quranic Inscriptions in Entrances and Altars of Jame' Mosque of Isfahan**

Maryam Ghasemi Sichani / Fatemeh Ghanbari Sheikhshabani / Mahboobe Ghanbari Sheikhshabani

▣ **Daylighting pattern in the dome-house of historical mosques of Isfahan**

marzieh hoomanirad / mansoureh tahbaz / hasanali pourmand